

فهرست مطالب

۱۱ کلیات
۱۹ باب اول - در صلاحیت دادگاهها
۱۹ فصل اول- در صلاحیت ذاتی و نسبی دادگاهها
۵۳ فصل دوم- اختلاف در صلاحیت و ترتیب حل آن
۶۵ باب دوم- وکالت در دعاوی
۷۷ باب سوم- دادرسی نخستین
۷۷ فصل اول- دادخواست
۷۷ مبحث اول- تقدیم دادخواست
۷۹ مبحث دوم- شرایط دادخواست
۸۲ مبحث سوم- موارد توقیف دادخواست
۸۴ مبحث چهارم- پیوست‌های دادخواست
۸۶ فصل دوم- بهای خواسته
۸۹ فصل سوم - جریان دادخواست تا جلسه رسیدگی
۸۹ مبحث اول- جریان دادخواست
۹۰ مبحث دوم- ابلاغ
۹۹ مبحث سوم- ایرادات و موانع رسیدگی
۱۰۵ فصل چهارم- جلسه دادرسی
۱۱۱ فصل پنجم- توقیف دادرسی و استرداد دعوا و دادخواست
۱۱۲ فصل ششم- امور اتفاقی

۱۱۲	مبحث اول - تأمین خواسته.....
۱۲۰	مبحث دوم - ورود شخص ثالث.....
۱۲۲	مبحث سوم - جلب شخص ثالث.....
۱۲۴	مبحث چهارم - دعوی متقابل.....
۱۲۵	مبحث پنجم - اخذ تأمین از اتباع دولت‌های خارجی.....
۱۲۷	فصل هفتم - تأمین دلیل و اظهارنامه.....
۱۲۷	مبحث اول - تأمین دلیل.....
۱۳۰	مبحث دوم - اظهارنامه.....
۱۳۱	فصل هشتم - دعوی تصرف عدوانی، ممانعت از حق و مزاحمت.....
۱۴۱	فصل نهم - سازش و درخواست آن.....
۱۴۱	مبحث اول - سازش.....
۱۴۳	مبحث دوم - درخواست سازش.....
۱۴۶	فصل دهم - رسیدگی به دلایل.....
۱۴۶	مبحث اول - کلیات.....
۱۴۸	مبحث دوم - اقرار.....
۱۵۰	مبحث سوم - اسناد.....
۱۶۱	مبحث چهارم - گواهی.....
۱۶۸	مبحث پنجم - معاینه محل و تحقیق محلی.....
۱۷۲	مبحث ششم - رجوع به کارشناس.....
۱۷۸	مبحث هفتم - سوگند.....
۱۸۷	مبحث هشتم - نیابت قضایی.....
۱۸۹	فصل یازدهم - رأی.....
۱۸۹	مبحث اول - صدور و انشاء رأی.....
۱۹۱	مبحث دوم - ابلاغ رأی.....
۱۹۳	مبحث سوم - حکم حضوری و غیابی.....
۱۹۴	مبحث چهارم - واخواهی.....

۱۹۷	مبحث پنجم - تصحیح رأی.....
۱۹۹	مبحث ششم - دادرسی فوری.....
۲۰۵	باب چهارم - تجدیدنظر.....
۲۰۵	فصل اول - احکام و قرارهای قابل نقض و تجدیدنظر.....
۲۰۶	فصل دوم - آرای قابل تجدیدنظر.....
۲۱۴	فصل سوم - مهلت تجدیدنظر.....
۲۱۶	فصل چهارم - دادخواست و مقدمات رسیدگی.....
۲۲۲	فصل پنجم - جهات تجدیدنظر.....
۲۲۹	باب پنجم - فرجام خواهی.....
۲۲۹	فصل اول - فرجام خواهی در امور مدنی.....
۲۲۹	مبحث اول - فرجام خواهی و آرای قابل فرجام.....
۲۳۴	مبحث دوم - موارد نقض.....
۲۳۹	مبحث سوم - ترتیب فرجام خواهی.....
۲۴۷	مبحث چهارم - ترتیب رسیدگی.....
۲۵۰	مبحث پنجم - مهلت فرجام خواهی.....
۲۵۱	مبحث ششم - اقدامات پس از نقض.....
۲۵۶	مبحث هفتم - فرجام تبعی.....
۲۵۸	فصل دوم - اعتراض شخص ثالث.....
۲۶۱	فصل سوم - اعاده دادرسی.....
۲۶۱	مبحث اول - جهات اعاده دادرسی.....
۲۶۲	مبحث دوم - مهلت درخواست اعاده دادرسی.....
۲۶۴	مبحث سوم - ترتیب درخواست اعاده دادرسی و رسیدگی.....
۲۶۹	باب ششم - مواعد.....
۲۶۹	فصل اول - تعیین و حساب مواعد.....
۲۷۲	فصل دوم - دادن مهلت و تجدید موعد.....
۲۷۵	باب هفتم - داوری.....

باب هشتم- هزینه دادرسی و اعسار.....	۳۹۷
فصل اول- هزینه دادرسی.....	۳۹۷
فصل دوم- اعسار از هزینه دادرسی.....	۳۰۰
باب نهم- مطالبه خسارت و اجبار به انجام تعهد.....	۳۰۵
فصل اول- کلیات.....	۳۰۵
فصل دوم- خسارات.....	۳۰۹
فصل سوم- مستثنیات دین.....	۳۱۱
سایر مقررات.....	۳۱۴

محشای تکمیلی

قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه.....	۳۱۹
قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب.....	۳۲۱
آیین نامه اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب.....	۳۵۷
آیین نامه اصلاحی قانون اصلاح ماده (۱۸) اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب.....	۳۷۳
قانون شوراهای حل اختلاف.....	۳۷۵
آیین نامه اجرایی قانون شوراهای حل اختلاف.....	۳۹۱
آیین نامه ارائه خدمات الکترونیک قضایی.....	۴۰۵
آیین نامه نحوه استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی.....	۴۰۹
فصل اول: تعاریف و کلیات.....	۴۰۹
فصل دوم: طرح شکایت و دعوا.....	۴۱۲
فصل سوم: ارجاع پرونده.....	۴۱۳
فصل چهارم: ابلاغ الکترونیکی.....	۴۱۳
فصل پنجم: نیابت قضایی.....	۴۱۸
فصل ششم: مقررات عمومی و امنیتی.....	۴۱۹
ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین.....	۴۲۱

مقدمه

به نام آن که هستی از عدم کرد
زلال علم جاری از قلم کرد
به نور خود چراغ دانش افروخت
به انسان شیوه دانایی آموخت

«لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...»

(آیه ۲۵ سوره حدید)

«همانا ما پیغمبران خود را با ادله و معجزات (برای خلق) فرستادیم و با ایشان کتاب و میزان عدل نازل کردیم تا مردم به عدل و داد و نیز راستی بگردند...»

تألیف کتاب «قانون آیین دادرسی مدنی نموداری و محشاً» گامی بلند در جهت آسان‌سازی مراجعه به قوانین و تلاش برای غنی‌سازی هرچه بیشتر گنجینه علمی این مرز و بوم در زمینه کتب حقوقی می‌باشد. از زمان تصویب و ارائه مجموعه عظیم قوانین در ایران، همواره ناشران متعددی با اهداف متفاوت در این عرصه حضور داشته‌اند، اما ارائه قوانین به صورت نموداری ایده جدیدی است که به منظور فهم عمیق‌تر و سریع‌تر قوانین با همت جمعی از پژوهشگران و زیر نظر اساتید برجسته حقوق انجام شده است.

قوانین نموداری دسترسی محققان، پژوهشگران، قضات، و کلا، سردفترداران، دانشجویان و دیگر علاقه‌مندان و دلدادگان عرصه علم حقوق را به این دانش بسی آسان‌تر نموده است. به علاوه دانشجویان و همچنین دانش‌آموختگان رشته حقوق که قصد ادامه تحصیل و یا شرکت در آزمون‌های مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری و یا

آزمون‌هایی مانند قضاوت، سردفتری، وکالت، مشاوره حقوقی و آزمون‌های استخدام در دادگستری، سازمان ثبت اسناد و املاک و... را دارند، با مراجعه به کتاب حاضر می‌توانند به قوانین و مقررات جاری و معتبر دست یابند، به‌ویژه اینکه مطالعه آراء وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور به‌عنوان یکی از منابع مهم شرکت در آزمون‌های مزبور ضرورتی اجتناب‌ناپذیر و نیازی اساسی است و با مدنظر قرار دادن این موضوعات در کتاب پیش رو ذیل مواد، آراء وحدت رویه مرتبط ذکر شده که علاوه بر پاسخگویی به این نیاز مخاطب، فهم هرچه عمیق‌تر مواد قانونی را به دنبال دارد. در پایان کتاب نیز مجموعه‌ای از جدیدترین و کاربردی‌ترین قوانین با آخرین اصلاحات ذکر شده تا نیاز مخاطب به مطالعه چندین عنوان متنوع و متفاوت از کتب قوانین را یکجا پاسخگو باشد.

نکته مهم و پایانی اینکه برای نموداری کردن مطالب، بهترین و راحت‌ترین تقسیم‌بندی جهت یادگیری دقیق‌تر و سریع‌تر انجام شده است به‌طوری که در صورت امکان، متن مواد و تبصره‌ها به قسمت‌های هم‌عرض بزرگ و در غیر این صورت به قسمت‌های هم‌عرض کوچک‌تر تقسیم شده است و از تقسیم‌بندی‌های زائد که باعث تشویش ذهن یا کند شدن یادگیری گردد خودداری شده است.

از تمام گرامیانی که این کتاب را مطالعه می‌نمایند استدعا داریم کم و کاستی‌ها را عفو نموده و با ارائه نظرات ارزنده خود ما را در هرچه بهتر شدن این اثر در چاپ‌های بعدی یاری رسانند. از درگاه احدیت توفیق روزافزون یکایک شما خوبان را خواستاریم.

دپارتمان حقوقی

انتشارات کتاب آوا

کلیات

❖ ماده ۱-

آئین دادرسی مدنی، [اصول و مقرراتی] است که در مقام رسیدگی به [امور حسبی و کلیه دعاوی مدنی و بازرگانی] مجموعه

در دادگاه‌های [عمومی، انقلاب، تجدیدنظر، دیوان عالی کشور] و سایر مراجعی که به موجب قانون موظف به رعایت آن می‌باشند به کار می‌رود.

❖ ماده ۲-

هیچ دادگاهی نمی‌تواند به [شخص یا اشخاص ذینفع یا وکیل یا قائم‌مقام یا نماینده قانونی آنان] دعوایی رسیدگی کند مگر این‌که [رسیدگی به دعوا را برابر قانون درخواست نموده باشند.]

❖ ماده ۳-۱

<p>قضات دادگاه‌ها موظفند</p>	<p>و یا</p>	<p>موافق قوانین به دعاوی رسیدگی کرده، - حکم مقتضی صادر - فصل خصومت</p>	<p>نمایند.</p>
<p>در صورتی که قوانین موضوعه</p>	<p>یا یا یا</p>	<p>- کامل یا صریح نبوده - متعارض باشند - اصلاً قانونی در قضیه مطروحه وجود نداشته باشد،</p>	

۱ - رأی وحدت رویه شماره ۶۷۵ - ۱۳/۲/۱۳۸۴ هیأت عمومی دیوان عالی کشور به موجب تبصره ماده ۳۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰ به وزارتخانه‌های مذکور در این قانون اجازه داده شده، برای جبران تعهدات و خسارت مربوطه، معادل مابه‌التفاوت ریالی نرخ روز ارز کلیه ارزشهای پرداختی به دانشجویان در زمان بازپرداخت و نرخ پرداخت شده قبلی را مطابق آیین‌نامه اجرائی مربوطه، از دانشجویان بپرسه یا اعزامی یا ضامن‌های آنان یا متضامناً دریافت نمایند و مفاد این تبصره با عنایت به قسمت اخیر ماده ۲ قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷ به گذشته تسری یافته و قرارداد‌های تنظیمی بین ضامن و وزارتخانه‌های مورد نظر قانون مورد بحث نیز با توجه به ماده ۳ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی نمی‌تواند مانع حاکمیت مفاد تبصره مزبور باشد. بنا بر مراتب بنظر اکثریت اعضای هیأت عمومی دیوان عالی کشور، رأی شعبه هفتم دادگاه تجدید نظر استان تهران صحیح و منطبق با موازین قانونی تشخیص می‌گردد. این رأی وفق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری، در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها لازم‌الاتباع است.

با استناد به

یا

- فتاوی معتبر

و

- اصول حقوقی که مغایر با موازین شرعی نباشد،

حکم قضیه را صادر نمایند و

- نمی‌توانند به بهانه سکوت یا نقض یا اجمال یا تعارض قوانین از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزند و الا مستتکف از احقاق حق شناخته شده و به مجازات آن محکوم خواهند شد.

تبصره -

چنانچه قاضی مجتهد باشد

و

قانون را خلاف شرع بداند

پرونده به شعبه دیگری جهت رسیدگی ارجاع خواهد شد

❖ ماده ۴ -

- دادگاه‌ها مکلفند در مورد هر دعوا به‌طور خاص تعیین تکلیف نمایند

و

- نباید به صورت عام و کلی حکم صادر کنند.

❖ ماده ۵ -

آرای دادگاه‌ها قطعی است مگر

یا

- در موارد مقرر در باب چهارم این قانون

- در مواردی که به موجب سایر قوانین قابل نقض یا تجدیدنظر باشند.

❖ ماده ۶-

- عقود
 و
 - قراردادهایی
 که
 - مخل نظم عمومی
 یا
 - برخلاف اخلاق حسنه که
 مغایر با موازین شرع
 باشد در دادگاه قابل ترتیب اثر
 نیست.

❖ ماده ۷-^۱

- به ماهیت هیچ دعوایی نمی توان در مرحله بالاتر رسیدگی نمود تا زمانی که در
 مرحله نخستین در آن دعوی حکمی صادر نشده باشد،
 - مگر به موجب قانون.

۱- رأی وحدت رویه شماره ۱۳۴۴/۹/۳-۱۵ هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اعتراضات فرجام خواهان بر دادنامه فرجام خواسته وارد و موجه است زیرا مطابق مواد ۷ و ۸
 قانون آیین دادرسی مدنی رسیدگی ماهوی به هر دعوایی دو درجه بوده و به ماهیت هیچ
 دعوایی در درجه پژوهشی رسیدگی نمود مادامی که در درجه نخستین در آن باب حکمی
 صادر نشده باشد مگر در مواردی که قانون آن را استثناء نموده باشد و در مورد بحث چون
 دادگاه شهرستان اهواز در مرحله رسیدگی بدوی در ماهیت دعوی حکمی صادر نکرده و
 مبادرت به صدور قرار رد دعوی کرده است دادگاه استان با فسخ قرار پژوهش خواسته مکلف
 بوده پرونده را جهت رسیدگی ماهوی به دادگاه صادرکننده قرار ارجاع و احاله نماید نه اینکه
 خود ماهیتاً رسیدگی کند لذا دادنامه فرجام خواسته مخدوش تلقی و به اتفاق آراء نقض و
 رسیدگی مجدد به شعبه دیگر دادستان استان ششم ارجاع می گردد.

❖ ماده ۸-

هیچ مقام رسمی یا سازمان یا اداره دولتی نمی‌تواند
 (- حکم دادگاه را تغییر دهد)
 و یا
 (- از اجرای آن جلوگیری کند)

مگر
 (- دادگاهی که حکم صادر نموده)
 و یا
 (- مرجع بالاتر،)
 آن هم در مواردی که قانون معین نموده
 باشد.

❖ ماده ۹-۱

۱- رأی وحدت رویه شماره ۷۴۳-۱۳۹۲/۸/۵ هیأت عمومی دیوان عالی کشور
 آن چه که در ماده ۳۲ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و... آمده، نظارت و رسیدگی
 یکجانبه‌ای بود که حتی بدون درخواست محکوم به اعدام از سوی رئیس دیوان عالی کشور یا
 دادستان کل کشور اعمال می‌گردید و کیفیت رسیدگی اصولاً قابل قیاس با چگونگی
 تجدیدنظرخواهی از احکام نبود. نظر به این که ماده ۳۲ قانون یادشده مطابق ماده ۵۷۰ قانون
 آیین دادرسی کیفری صریحاً نسخ شده و قابلیت اجرا ندارد و بر اساس قانون منسوخ نمی‌توان
 اقدامی معمول داشت و با توجه به صدر و ذیل ماده ۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی
 و انقلاب در امور مدنی که مشعر بر اجرای قوانین شکلی و تشریفاتی در خصوص قضایایی
 است که سابق بر تصویب آنها مطرح شده و در جریان رسیدگی است (و عطف به ماسبق شدن
 این قوانین را تجویز کرده است) و نظر به این که احکام اعدام متهمان به ارتکاب جرایم مواد
 مخدر، به لحاظ عدم قطعیت قابلیت اجرا ندارد و با عنایت به اینکه ماده ۴۲۸ قانون آیین
 دادرسی کیفری آراء صادر شده درباره جرایمی را که مجازات قانونی آنها سلب حیات است
 علی‌الاطلاق قابل فرجام خواهی در دیوان عالی کشور دانسته و موجبی وجود ندارد که احکام
 اعدام متهمان مذکور را از شمول حکم عام و کلی این ماده مستثنی بدانیم، بنا به مراتب، به ←

رسیدگی به دعوی که قبل از تاریخ اجرای این قانون اقامه شده به ترتیب مقرر در این قانون ادامه می‌یابد.

- آرای صادره از حیث قابلیت اعتراض و تجدیدنظر و فرجام، تابع قوانین مجری در زمان صدور آنان می‌باشد.

- مگر این که آن قوانین، خلاف شرع شناخته شود.

→ نظر اکثریت قاطع اعضای هیأت عمومی دیوان عالی کشور، احکام یادشده قابل فرجام خواهی در دیوان عالی کشور است و رأی شعبه ۴۸ دیوان عالی کشور در حدی که با این نظر مطابقت دارد، صحیح و قانونی تشخیص داده می‌شود. این رأی مطابق ماده ۴۷۱ قانون اخیرالذکر برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها و سایر مراجع لازم‌الاتباع است.

رأی وحدت رویه شماره ۷۴۵-۱۳۹۴/۸/۲۶ هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نظر به اینکه ماده ۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مقرر می‌دارد: «آراء صادره از حیث قابلیت اعتراض و تجدیدنظر و فرجام، تابع قوانین مجری در زمان صدور آنان می‌باشد.» و با عنایت به اینکه بر حسب مستفاد از ماده ۳۲ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر ... مصوب ۱۳۷۶/۸/۱۷، آراء محکومیت مرتکبین جرایم مواد مخدر به استثنای احکام اعدام که تا تاریخ ۱۳۹۴/۳/۳۱ صادر گردیده، قطعی و لازم‌الاجرا است و در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ مقررات خاصی برای تجدیدنظر یا فرجام خواهی نسبت به این آراء وضع نگردیده است، بنابراین مقررات این قانون راجع به اعتراض به آراء با لحاظ حکم مقرر در ماده ۴ قانون مدنی که مقرر می‌دارد «اثر قانون نسبت به آتیه است و قانون نسبت به ما قبل خود اثر ندارد، مگر اینکه در خود قانون مقررات خاصی نسبت به این موضوع اتخاذ شده باشد.» منصرف از آراء مورد اشاره است، بر این اساس، آراء شعب سی و هشتم و چهل و چهارم دیوان عالی کشور که با این نظر انطباق دارد، صحیح و قانونی تشخیص داده می‌شود. این رأی طبق ماده ۴۷۱ قانون اخیرالذکر در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها لازم‌الاتباع است.

نسبت به کلیه
قرارهای عدم
صلاحیتی که

(- قبل از تاریخ اجرای این قانون از
دادگاه‌ها صادر شده
و
- در زمان اجرای این قانون در جریان
رسیدگی تجدیدنظر یا فرجامی است

به ترتیب مقرر در این
قانون عمل می‌شود.

avabook.com

avabook.com

باب اول - در صلاحیت دادگاهها

فصل اول - در صلاحیت و
[ذاتی و نسبی]
دادگاهها

❖ ماده ۱۰-۱

۱- رأی وحدت رویه شماره ۲۱۱۱-۱۰/۱۰/۱۳۳۵ هیأت عمومی دیوان عالی کشور آنچه از قانون اصلاح توسعه معابر مصوب اول تیرماه ۱۳۲۰ استفاده می شود اینست که قانونگذار برای تسریع در حل اختلاف و تعیین تکلیف افراد در موردی که شهرداری زمین مشجر یا مزروع یا بیاض یا خانه یا مستغل اشخاص را برای توسعه یا اصلاح یا احداث برزن، خیابان، میدان، گذر، کوی و انهار یا قنوات را برای تسهیل آمد و شد و زیبای شهر یا برای سایر نیازمندی شهر لازم بداند تصرف نماید، مرجع صالح برای رسیدگی و حل اختلاف هیأت سه نفری مذکور در ماده ۱۴ قانون مذکور را تعیین نموده رأی هیأت نامبرده قطعی می باشد بنابراین در دعوی که موضوع آن مشمول قانون اصلاح توسعه معابر بوده باشد مرجع صالح برای رسیدگی به موضوع هیأت سه نفری مذکور در ماده ۱۴ قانون مزبور است و رأی شعبه اول دیوان عالی کشور خالی از اشکال می باشد.

رأی وحدت رویه شماره ۱۵۸۷-۱۳۳۶/۸/۱۸ هیأت عمومی دیوان عالی کشور ←

→ حکم شماره ۲۴۷۸ شعبه ۵ دیوان کشور صحیح نیست زیرا آیین نامه مصوب ۱۳۳۴/۷/۲۵ به مبنای قانون اختیار آقای دکتر میلسپو تدوین نشده بلکه به صراحت تصویب نامه هیأت وزیران آیین نامه مزبور به استناد قانون الغای اختیارات رئیس کل دارایی مصوب ۱۳۲۳/۱۰/۱۸ که صراحتاً به هیأت دولت اجازه داده کلیه آیین نامه‌های صادره از ناحیه مشارالیه را کلاً یا بعضاً ابقا یا جرح و تعدیل یا الغا نماید وضع گردیده است. بنابراین دادگاه‌های دادگستری در باب رسیدگی به درخواست تخلیه در مواردی که مشمول مقررات آیین نامه مزبور می‌باشد صلاحیت ندارد.

رأی وحدت رویه شماره ۲۹۱۲-۱۳۳۷/۱۰/۲ هیأت عمومی دیوان عالی کشور

مستنبط از ذیل ماده ۱۸ قانون ثبت که صدور قرار را مفید به تقاضای مستدعی ثبت نموده این است که اگر قبل از تقاضای سقوط معترض درخواست تعقیب کرده باشد دیگر موجبی برای صدور قرار اسقاط دعوی نیست بنابراین نظر شعبه پنجم دیوان کشور صحیح است.

رأی وحدت رویه شماره ۱۲۵۵-۱۳۴۵/۷/۱۲ هیأت عمومی دیوان عالی کشور

آنچه از تبصره ۲ ماده دوم قانون اجاره ساختمان راه آهن خور موسی و بندر محمره و بند جز مصوب اسفند سال ۱۳۰۵ و تصویب نامه‌های شماره ۱۵۱۴۲-۱۳۲۱/۷/۱۲ و شماره ۱۵۱۴-۲۹/۱۱/۸ مستفاد است در صورت عبور راه آهن از املاک اشخاص و همچنین اراضی که برای ایستگاه راه آهن ضرورت پیدا می‌کند قیمت اراضی مزبور با توجه به جهات و مراتبی که در تصویب نامه‌ها ذکر شده به وسیله کمیسیون مخصوص تعیین می‌گردد و خلاصه صلاحیت کمیسیون در اطراف تعیین قیمت عادلانه اراضی است ولی دعوای مالکین اراضی از جهت عدم تأدیه قیمت در صلاحیت کمیسیون نبوده و طبق اصول کلی و ماده ۱ قانون آیین دادرسی مدنی در صلاحیت محاکم عمومی است بنا به مراتب رأی شعبه اول دیوان عالی کشور که در همین زمینه صادر شده به نظر هیأت عمومی از نظر ایجاد وحدت رویه قضایی تأیید می‌گردد. این ←